

بسم الله الرحمن الرحيم

اپستین، مرحله‌ای بسیار پیشرفته در بیماری فرهنگ غربی

(ترجمه)

خبر:

وزارت عدلیه آمریکا روز جمعه، مجموعه تازهای از اسناد را منتشر کرد که شامل سه میلیون سند مربوط به جفری اپستین، محکوم به جرایم جنسی، به همراه دو هزار نوار ویدیویی و ۱۸۰ هزار تصویر می‌باشد. این اسناد، به گزارش خبرگزاری‌ها، جزئیات تکان‌دهنده‌ای درباره شخصیت‌های با نفوذ سیاسی و اقتصادی را افشا کرده اند؛ خبری که بازتاب گسترده‌ای در تمامی رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی در سراسر جهان داشته است.

تبصره:

در پرونده‌های اپستین، به سختی می‌توان چیزی یافت که در قاموس جرایم غرب ناآشنا باشد؛ چرا که همه این موارد، از نظر نوع و ماهیت، همان اعمالی‌اند که در آن جوامع رواج دارند و خبر وقوع‌شان روزانه درباره مردم عادی و افراد مختلف منتشر می‌شود. این پدیده‌ها محصول طبیعی و ثمره منطقی همان فرهنگی است که فرد را عریان از هر دین و ارزش رها کرد تا در دریای آزادی‌های بی‌قید و شرط شناور شود؛ آزادی‌هایی که هیچ ضابطه و ملاحظه‌ای ندارند، جز پیروی از خواش‌های نفسانی.

اما آن‌چه در پرونده‌های اپستین تازگی دارد، چند نکته مهم است؛ از جمله این‌که جزئیات این قضیه از سال‌ها پیش، از طریق قربانیان، شاهدان و شواهد گوناگون به بیرون درز کرده بود، بی‌آن‌که این افشاگری‌ها به صدور محکومیت یا برگزاری محاکمه‌ای بینجامد. بدین‌سان، تبنانی رسی در پنهان‌سازی این جنایت، خود به بخشی از ماجرا بدل شد. حتی پس از آن‌که این پرونده به‌طور کامل در برابر افکار عمومی آشکار گردید، هنوز هیچ سخنی از محکومیت و محاکمه به میان نیامده است.

نکته دوم در قضیه اپستین، همان شبکه بسیار گسترده‌ای از نخبگان درگیر در این پرونده است؛ چه از میان سیاستمداران، چه فعالان رسانه‌ای، چه صاحبان سرمایه و فناوری و حتی از میان خاندان‌های حاکم. اگر این واقعیت را با زشتی اعمال شیطانی و به‌شدت نکوهیده و رفتارهایی که حتی حیوانات درنده از آن بیزارند در کنار هم بگذاریم، دیگر هیچ عنوان و توصیفی شایسته‌تر از این نخواهد بود که بگویم فرهنگ غربی را گروهی از قوادان (واسطه‌گران و دلالان سازمان‌یافته فحشا و فساد جنسی) رهبری می‌کنند که در رأس آنان، خود رئیس‌جمهور آمریکا قرار دارد.

شگفت‌آور این‌جاست که این افراد، همان‌هایی هستند که همواره دیگران را به افراط‌گرایی و تروریسم متهم می‌کنند و خود را معیار اخلاق جهانی می‌دانند؛ کسانی که به خویش حق می‌دهند بر اساس این معیارها از زور استفاده کنند و ملت‌ها را مجازات نمایند، به‌ویژه در برخورد با مسلمانان که آنان را به خشونت و ترور متهم می‌سازند؛ در حالی‌که خود، متجاوز، جنایت‌کار و قاتل کودکان‌اند، بلکه قاتل انسان‌ها به‌طور عام، با تمام معانی این جنایت.

شگفت‌آورتر از آن، این است که همین افراد کسانی‌اند که حکام ما فرمان‌بردار آنان هستند و با ذلت و خواری از ایشان پیروی می‌کنند؛ چنان‌که برای حکام ما، اینان اربابانی به‌شمار می‌روند که هیچ‌گاه از اطاعت‌شان سرپیچی نمی‌شود. این وضع، نه شایسته است، نه درست و نه با جایگاه بهترین امتی که برای مردم پدید آمده، سازگار و قابل قبول.

خلاصه سخن این‌که آن‌چه از پلیدی این فرهنگ غربی و سران آن در پرونده‌های اپستین آشکار شده و آن‌چه هم‌زمان با آن از زورگویی عریان و گستاخانه در برابر جهان نمایان است، پرده از حقیقتی برمی‌دارد که دیگر نه ادعاهای دروغین ارزش‌های غربی می‌تواند آن را بپوشاند و نه

آن درخشش فریبنده پیشرفت مادی، توان پنهان ساختنش را دارد. این وضعیت به روشنی از فروپاشی قریب الوقوع خبر می‌دهد؛ چرا که شدت فساد و زورگویی، در تاریخ همواره نشانه‌ای تکرارشونده و سنتی ثابت در آستانه زوال امپراتوری‌ها و آغاز فروپاشی آن‌ها بوده است. مهم‌تر از همه، این یک سنت الهی است؛ سنتی که هنگام گسترش ظلم، نازپروردگی و فسق به جریان می‌افتد؛ همان‌گونه که آیات کریمه قرآن مجید به آن اشاره کرده‌اند. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا﴾ [الکھف: ۵۹]

ترجمه: و چون (اهالی) این شهرها ستم کردند، نابودشان کردیم و برای هلاکت‌شان میعادگاه (و زمانی مشخص) قرار دادیم.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾ [الاسراء: ۱۶]

ترجمه: و چون اراده می‌نمودیم شهری را دیاری را نماییم، برای افراد خوشگذران چنین مقدر می‌کنیم که به فسق و نافرمانی پردازند و آن‌گاه که سزاوار عذاب شوند، آنجا را به سختی نابود و ویران می‌گردانیم.

نویسنده: عبدالرحمن اللداوی

15 شعبان 1447 ه.ق.

3 فیروزی 2026 م.

مترجم: عبدالرحمن مستنصر